

ایدئولوژی عرفی و ریشه‌های تعارض مدرن

ایدئولوژی عرفی و ریشه‌های تعارض مدرن

ویلیام تی. کاوانا | ترجمه سجاد صفارهرندی



سرشناسه: کاوانو، ویلیام تی. ۱۹۶۲ - م.

Cavanaugh, William T

عنوان و نام پدیدآور: اسطوره خشونت مذهبی / ویلیام تی کاوانا؛

ترجمه سجاد صفارهرندی؛ ویراستار سجاد سرگلی و فرشته هدایتی.

تهران: ترجمان علوم انسانی، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۲۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۹۱۷۹-۰۰

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً با عنوان «اسطوره خشونت مذهبی: ایدئولوژی

سکولار و تعارض مدرن» با ترجمه ندا شاه‌نوری توسط انتشارات سرو

اندیشه در سال ۱۳۹۷ منتشر شده است.

رده بندی کنگره: BL۶۵

رده بندی دیویی: ۲۰۵/۶۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۲۳۶۳۱

این اثر ترجمه‌ای است از:

The Myth of Religious Violence

William T. Cavanaugh / oxford university press, 2009

اسطوره خشونت مذهبی

ایدئولوژی عرفی و ریشه‌های تعارض مدرن

نویسنده: ویلیام تی. کاوانا

مترجم: سجاد صفارهرندی

ناشر: ترجمان علوم انسانی

ویراستار: فرشته هدایتی و سجاد سرگلی

بازخوانی متن: میلاد اعظمی مرام

طراح جلد: حمید اقدسی یزدلی

صفحه‌آرا: معصومه کریمی

چاپ: زیتون

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

پست الکترونیکی: tarjoman.nashr@gmail.com

www.tarjomaan.shop

فروشگاه اینترنتی:

حقوق چاپ و نشر در تمام قالب‌ها اعم از
کاغذی، الکترونیکی و صوتی انحصاراً برای
انتشارات ترجمان علوم انسانی محفوظ است.

۹	مقدمه مترجم
۱۵	سپاسگزاری
۱۷	مقدمه
۳۵	(۱) کالبدشناسی اسطوره خوشونت مذهبی
۳۸	سه نوع استدلال
۳۹	دین مطلق گراست
۵۱	دین نتیجه افکن است
۷۳	دین عقاید نیست
۹۰	نتیجه گیری
۹۵	(۲) ابداع مفهوم دین
۹۹	دلیلی بر
۱۱۳	ابداع دین در غرب
۱۳۵	ابداع مفهوم دین خارج از غرب
۱۵۷	تعریف دین
۱۵۸	رویکردهای ذات گرایانه

۱۶۳	رویکردهای کارکردگرایانه
۱۸۱	نتیجه‌گیری
۱۸۷	(۳) اسطوره‌آفرینش جنگ‌های مذهبی
۱۸۹	اسطوره‌جنگ‌های مذهبی
۱۸۹	پیشگامان مدرن متقدم
۱۹۶	نظریه سیاسی معاصر
۲۱۱	مؤلفه‌های اسطوره‌جنگ‌های مذهبی
۲۱۳	شواهد تاریخی
۲۶۳	نتیجه‌گیری
۲۶۴	(۴) بهره‌های اسطوره‌خسونت مذهبی
۲۷۲	ساختن دیوار
۲۸۷	غرب و بقیه
۳۰۵	جنگ لیبرال برای آزادسازی
۳۳۰	نتیجه‌گیری
۳۳۷	پی‌نوشت‌ها
۴۱۳	نمایه

مقدمه مترجم

ویلیام تی. کاوانا استاد دانشکده مطالعات کاتولیکی دانشگاه دوپال و رئیس مرکز کاتولیسیسم جهانی و الهیات بین فرهنگی آن دانشگاه است. قلمرو اصلی مطالعات و تخصص او را می‌توان الهیات اجتماعی یا آن چنان که شایع‌تر است الهیات سیاسی قلمداد کرد. مقصود از الهیات سیاسی پیگیری و شرح دلالت‌ها و پیامدهایی است که مضامین و ایده‌های الهیاتی در قلمرو عمومی و حیات سیاسی داشته‌اند و می‌توانند داشته باشند. کاوانا به عنوان یک محقق و متأله کاتولیک عمدتاً بر امکان‌های موجود در سنت مسیحی برای ورود در مسائل دنیای امروز و مشارکت در حل و فصل مسائل آن از دریچه‌ای دینی و الهیاتی متمرکز است. از این جهت کار او در امتداد مکتب الهیاتی «ارتدکسی رادیکال»^۱ و کار کسانی چون جان میلبنک قلمداد می‌شود. ارتدکسی رادیکال جریانی متعهد به سنت الهیات مسیحی است که، برخلاف برخی کوشش‌های معاصر، پالایش و بازسازی الهیات بر مدار عقلانیت مدرن را در دستورکار خود ندارد. به باور آنان این قبیل نوسازی‌ها، به قیمت تهی کردن الهیات از حقیقت و غنای درونی‌اش، صرفاً جایی فرعی و حاشیه‌ای در صحنه اندیشه و دانش برای آن

دست و پا می‌کند. در مقابل، آنان درصددند، تا با بهره‌گیری از امکان‌های فراهم‌آمده از نقد پست مدرنیستی روشنگری و لیبرالیسم، راهی به بازخوانی وفادارانه الهیات مسیحی و دلالت‌های آن برای مسائل معاصر همچون عدالت اجتماعی، خشونت، بحران محیط‌زیست، مصرف‌گرایی و ... بکشایند.

کاوانا تاکنون شش کتاب در موضوعات متنوع مربوط به تعامل میان دین و الهیات با زندگی اجتماعی منتشر کرده که در میان آنها کتاب حاضر، اسطوره خشونت مذهبی، بیشترین توجهات و تحسین‌ها را برانگیخته است. در این کتاب، او برخلاف برخی دیگر از آثار خود کمتر در نقش خاص و مشخص متأله مسیحی ظاهر شده است. رویکرد او را در اینجا می‌توان نوعی از نقد «واسازانه»^۱ و تبارشناسی تاریخی قلمداد کرد که به‌طور ضمنی علایت و دغدغه‌های الهیاتی را در بطن خود دارد. در این کتاب او به سراغ ایده‌ای قدرتمند و تعیین‌کننده در فرهنگ و سیاست مدرن می‌رود، یعنی این ایده که پیوند خاص و مشخصی میان دین و خشونت وجود دارد و حضور و نقش‌آفرینی دین در عرصه عمومی ناگزیر به برانگیخته شدن خشونت خواهد انجامید. از نظر کاوانا این ایده هم به سبب تصویر معوج و تحریف‌شده‌ای که از واقعیت به دست می‌دهد و هم از جهت نفوذ و اقتدار گسترده‌ای که در ذهن و عین جامعه مدرن یافته سزاوار عنوان اسطوره است. این کتاب تلاشی است برای به پرسش کشیدن اسطوره مذکور از خلال تحلیل و ارزیابی نقادانه مؤلفه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن.

نویسنده برای این منظور مسیری کم‌وبیش نامتعارف را برگزیده است. مسیری که بدو برای مواجهه با اسطوره خشونت مذهبی به ذهن می‌رسد می‌تواند چیزی شبیه این باشد که خشونت‌های مذهبی را در یک کفه ترازو و خشونت‌های غیرمذهبی (سیاسی، اقتصادی، نژادی و یا به‌طور عام، چنان‌که اکنون تعبیر می‌شود، عرفی یا سکولار) را در کفه دیگر قرار دهیم و با نشان دادن سنگین‌تر بودن کفه دومی بر بطلان این اسطوره حکم دهیم. اما کاوانا این مسیر را انتخاب نمی‌کند. از نظر او، مسئله نه در تخمین حجم و اندازه خشونت دو طرف که در نفس تقسیم‌بندی صلب و سخت امور به دو قلمرو کاملاً تفکیک‌شده دینی و عرفی است. تفکیکی که از نظر او نه بخشی از واقعیت عینی، بلکه پاره‌ای از پیکربندی گفتمانی غرب مدرن است. در این مسیر او به سنتی از مطالعات تاریخ دین در کار کسانی چون ویلفرد کنتول اسمیت،

جان باسی، طلال اسد، دیوید چیدستر و تیموتی فیتزجرالد ارجاع می‌دهد که، به‌رغم اهمیت آن برای ما، در فضای علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران چندان آشنا نیست. مدعای مرکزی این محققان آن است که مفهوم دین، به‌مثابه نظامی از عقاید و کردارها که مشخصاً در تمایز از امر عرفی یا دنیوی فهمیده می‌شود، بر ساخت و ابداعی مدرن است. از این منظر، اتفاقی که در دوره مدرن رخ داده این نیست که دو جوهر متمایز، یعنی امر دینی و امر عرفی، که پیش‌تر در هم آمیخته شده بودند، از هم تفکیک شده‌اند، بلکه مسئله این است که این دو قلمرو تصویری متمایز در گفتمان مدرن خلق شدند و این خلق مفهومی بستر و مسیر طبیعی آموزه سیاسی عرفی‌گرایی (سکولاریسم) را فراهم ساخت. جان میلبنک کتاب پرنفوذ خود الهیات و نظریه اجتماعی را با این عبارت آغاز می‌کند که «روزگاری هیچ [امر] عرفی‌ای در کار نبود». کاوانا در فصل دوم کتاب خود به تبع کار اسمیت و دیگران روی دیگر سکه را نشان می‌دهد. در آن روزگار همچنان که امر عرفی در کار نبود، امر دینی نیز وجود نداشت. روشن است که مسیحیت، اسلام و سنت‌های آیینی شرق وجود داشتند، اما قلمرو حضور آنان با تفکیک دوگانه دینی / عرفی تعریف و محض نمی‌شد. فلذا سخن گفتن از خشونت مذهبی یا دینی در بستر تاریخی ماقبل مدرن، که امر دینی را آن غایب است، فاقد توجیه است.

روش کار کاوانا در این اثر از دو جهت فوکویی است: هم آنجا که به نحوی «دیرینه‌شناسانه» نشان می‌دهد که امر مفروض و بدیهی انگاشته شده تا چه اندازه تاریخی و گفتمانی است و هم آنجا که به سیاقی «تبارشناسانه» پیوندهای میان ایده یا امر گفتمانی را با اقتضائات قدرت مشخص می‌سازد. به باور او، در عالم نظر موشکافی نقادانه ایده یا اسطوره خشونت مذهبی با معیارهای صوری و منطقی، همچون وضوح تعاریف و سازگاری درونی، چیزی از آن باقی نمی‌گذارد. اما بقای این اسطوره به واسطه موقعیت و جایگاهی است که در پیکربندی کلان دانش و قدرت غرب مدرن دارد. هرچند، بنابر اقتضائات نظریه گفتمان فوکویی، نفس اینکه کاوانا توانسته این اسطوره یا گفتمان را با موشکافی تحلیلی خود از قلمرو نااندیشیده اندیشه به روشنی آگاهی منتقل کند حکایت از آن دارد که پیکربندی دانش و قدرت مذکور به سرحدات خود رسیده است. این بدان معناست که جزم‌ها و مسلمانات ضمنی موجود در نظم گفتمانی غرب مدرن اقتدار و نفوذ پیشین خود را از دست داده‌اند و یا در آینده از دست خواهند داد.